



دکتر کاظم ودیعی

دموکراسی‌های دروغین سایه سنگین چین بر خاورمیانه

است که قصد جهانگشائی ایدئولوژیک ندارد و تجارت جهانی را خوب می‌شناسد. یک استاد دانشگاه چینی که متخصص روابط بین الملل و از متفکران بزرگ چین امروز است بنام شی یین هونگ می‌گوید: آمریکا انتظاراتی در باب کره شمالی از چین دارد ولی چین از لحاظ سیاسی می‌تواند کمک دهد و نه از لحاظ اقتصادی. معهدا کیم یونگ ایل به هر دو کشور بزرگ آمریکا و چین امتیازاتی خواهد داد و امتیازاتی خواهد گرفت. اگر آمریکا عقده کره شمالی را بگشاید شاید بتواند مقدمات مهار کردن ایران اسلامی را فراهم سازد.

بهای نفت

آمریکا در تماس با همه کشورهای آسیائی با نرمجویی رفتار می‌کند اما در خاورمیانه واقعا در جنگ است و با او هم در جنگ هستند. بسیاری فرض کرده‌اند که افزایش بهای نفت ابزاری است در دست آمریکا برای فشار به کشورهای بزرگ خریدار نفت (چین- اروپا). حقیقت این است که آمریکا در مسئله افزایش روزافزون بهای نفت به کاهش وابستگی‌های زیاده از حد نفتی خود در قبال خاورمیانه فکر می‌کند و نیز از این افزایش بهاء به تقویت جستجوهای نفت و انرژی در داخل آمریکا نظر دارد و این سیاست یک ابتکار دولت بوش نیست و سابقه‌اش به سال‌های ۱۹۷۳ به بعد می‌رسد که اوپک به رهبری فیصل افزایش بهای نفت را به سود آمریکا دنبال کرد و گزارش آقای ویلیام سیمون معاون وزارت خزانه‌داری و نیز گزارش ژنرال لین کلن مهمترین سند در این زمینه است «نگاه کنید از جمله به کتاب بنوامشین در باب فیصل پادشاه عربستان- نشر آلبن میشل ۱۹۷۵ و منابع معتبر دیگر.»

بنا بر این افزایش بهای نفت کار تحقیقات و تجسس‌های نفتی و انرژی‌های دیگر را با سرمایه‌ای که به دست می‌دهد در آمریکا آسان می‌کند. چنین است که اروپائیان نگران اند و آمریکا نه. هر چند عکس العمل اروپائیان هم محسوس است و رفته‌رفته به مانند آمریکا عمل خواهند کرد.

برعکس افزایش بهای نفت در کشورهای خاورمیانه نفتی ممکن است تورم اور و بحران آفرین باشد. چنانکه در سال‌های آخر قبل از انقلاب آن را شاهد بودیم و اینک هم به صورتی دیگر و هزار بار پر خطرتر در ایران ناظر آن هستیم. بودجه ایران بودجه سیاسی است و درآمد نفت آن در ماه‌های اخیر در مجاری صحیح برنامه‌های اقتصادی سنجیده صرف نمی‌شوند. رئیس جمهور جدید مشتاق اقدامی است در این راه ولی صنایع نفتی ایران فرسوده‌اند و تزریق چاه‌ها پر هزینه و دولت دریند حراست بنیادهای سیاسی سر به مهری است که شدت فقر جامعه در دستور کار آنها نیست. درآمد نفتی اخیر ایران خوشبینی ندارد. چنانچه طی سال‌های دراز فروش نفت قاچاق در دریایا هم خوشبینی را دامن نزد. آمریکا از زمان نیکسون سیاست خود را در باب بهای نفت با واقعات جهان کشورهای عربی نفتی تطبیق داده و می‌دهد. درآمد اضافی نفت در عراق و ایران اسلحه‌ای است در دست حاکمان که خود به روی خود می‌کشند و البته در حال حاضر عراق برای سال‌های دراز بدهکار است از بابت جنگ و ایران راه دوری در پیش دارد تا مدعی شود که کثیری از مردمش زیر خط فقر نیستند.

عکس العمل‌ها را باید از هم اکنون حدس زد. بازی با کلمه دموکراسی، اشغال، قوانین اساسی ملهم از تمایلات دینی و قومی و افزایش بهای نفت و فقر و تورم و فساد جوامع خاورمیانه را به هر حرکت تندی وادار خواهد کرد. این حرکات اگر به مجاری سازمانی بیفتد مسلماً منتهی به یک تحول مثبت خواهند شد. وگرنه راهی جز به خود ویرانگری بیشتر نخواهند داشت.

آمریکا در مرحله اول خود را در خاورمیانه نفتی مستقر داشت و در مرحله بعدی بی‌شک بر نوبغ حرکت‌های سازنده آمیدی دارد و اگر این حرکت‌ها پدید نیابند ناچار به اقتضای مصالح و منافع خود عمل می‌کند. در این صورت خطر آنجاست که رهبران متکی به غیر آقائیان راحت شوم، بله راحت شده‌ام.»

آنچه من و دوستان و یاران در پنج سال پیش حول و حوش خروج شاه‌ماهی هنر ایران سرکار

که آمریکا با اشغال سرزمین‌ها، دموکراسی می‌کارد و به بار می‌آورد. اساس فعلی بذر ناسیونالیسم را می‌کارد. پزیدنت سابق آمریکا حضرت جیمی کارتر اخیراً اظهار داشت که: «جنگ عراق عامل تقویت تروریست‌ها در جهان شد.» ایشان که خود سهمی در بر کشیدن و جا انداختن اسلام سیاسی خمینی در ایران دارند با صلاحیت بسیار در این باره سخن می‌گویند. شاهد دیگری هم هست و آن آخرین گزارش INTERNATIONAL CRISIS GROUP است که آمدن آقای احمدی نژاد را دلیل ماندگار شدن نظام می‌داند.

در نظام جدید عراق سیمان به هم رساننده و پیوند بخش ملت عراق چیست؟ اگر فدرالیسم عراقی تصویب شده باشد وجه مشترک بین کردستان عراق و منطقه شیعه‌نشین جنوب و مناطق مسکونی سنجان کدام است؟ هویت اسلامی است؟ یا کلمه عراق؟ یا مخازن نفتی؟ وقتی در قانون اساسی سرچشمه الهام قرآن و شریعت اسلامی باشد و قومیت، اجزاء این فدراسیون که هر کدام هویت عقیدتی خود را دارند و عملاً مستقل اند چه نیازی آنها را یکی و یگانه می‌سازد و کدام ملاط هویت ملی را تضمین می‌کند؟ برابر این قانون اساسی یک فرد شیعه به نخست‌وزیری تماماً می‌رسد و به ریاست جمهوری هرگز. برابر این قانون مقامات کلیدی (ریاست جمهوری- نخست‌وزیر- رئیس مجلس و غیره) از قبل بین اقوام و عقاید دینی تقسیم شده است. پس دیگر رقابتی در کار نیست. این قانون اساسی که حتی تاریخ تصویب آن با نظر خلیل‌زاد نایب‌السلطنه (نیوزویک) منصوب پزیدنت بوش معین شده است همه چیز هست جز یک قانون اساسی. مقاومت‌های شیعیان و کردان و سنجان البته در چهارچوبی که خودشان آن را تراشیده‌اند محترم است ولی از نظر دور داشتن کمبودها و خلط مبحث در باب دموکراسی اهدائی تخم نفاق و تزار را از هم الان در جامعه عراق کاشته است.

سایه سنگین چین

آمریکائیان و به دنبال ایشان انگلستانی‌ها بر این باورند که این سیاست دموکراسی گام به گام راهگشائی است برای رسیدن به امنیت و آرامش منطقه تا طرح خاورمیانه بزرگ جوابگوی احتیاجات آنها باشد و این احتیاجات آنها نه دموکراسی است نه اسلام و حتماً تأمین نفت لازم است. غافل از این که سیاست اشغال نظامی سرزمین‌ها در خاورمیانه به دو مانع بزرگ برخورد و برخورد خورده. عامل اول ظهور ناسیونالیسم جدیدی است در همه کشورهای این سرزمین که مقدمات آن را اشغال فراهم ساخته است و عامل دوم مقابله نفوذ سیاسی چین و روسیه است که آن هم شروع شده است. چینی‌ها نه تنها در بازار و در دیپلماسی خاورمیانه حضوری ملموس و روزانه دارند طولانی‌ترین قراردادهای خرید گاز و نفت را با بعضی کشورهای خاورمیانه از جمله ایران و قرقیزستان و قزاقستان به امضاء رسانده‌اند. آنها علناً به اهمیت و اثر حق وتوی خود در شورای امنیت واقف‌اند. مذاکرات اخیر پزیدنت بوش با هوجویی تاو به آنجا که دلخواه آمریکا است موقتاً ممکن است برسد ولی چین سریع‌تر از آمریکا در آسیای مرکزی بازارها را می‌گیرد و سهام کمپانی‌های نفتی را می‌خرد و پایگاه‌های نظامی را می‌سازد. چین قویاً به یک دیپلماسی نفتی پرداخته که خلیج فارس و آسیای مرکزی و ماوراءالنهر را متأثر خواهد کرد. انتهای این مقابله دنیا را به ظهور قدرت سوم خواهد رساند که اینک ما در آغاز آن هستیم و تولید ناخالص ملی چین در ۲۰۰۹ به پای آلمان و در ۲۰۱۷ به پای ژاپن و در ۲۰۲۴ به پای آمریکا می‌رسد (آخرین گزارش CIA-به نقل از فیگارو ۲۵-اگوست ۲۰۰۵).

آمریکائیان همیشه در برابر قدرت‌های کمونیستی مدارا می‌کنند. با شوروی استالین چنین کردند. با ماو سرانجام کنار آمدند. البته بعد از آن همه اشتباه که چین کمونیستی را به رسمیت نمی‌شناختند. اینک بر سر تایوان و نفت با چین ماو که در فقر بود سر و کار ندارند. برابر آنها امروز چین پر رشد و قدرتی

«سیاوش اوستا» مهر تأیید گوگوش بر گفته‌های سال‌های پیش ما!!

شاه‌ماهی هنر ایران سر کار خانم گوگوش طی مصاحبه‌ای که با روزنامه اینترنتی «روز» داشته‌اند و این مصاحبه در نشریات و سایت‌های دیگری نیز نقل شده است، اشاره کرده‌اند به تلاش‌های من به همراه جمع کثیری از هنرمندان و نویسندگان بزرگ ایرانی که در هنگامه خروج ایشان از کشور صورت گرفته بود...

ایشان فرموده‌اند که «عباسی در پاریس سر و صدایش درآمده بود که گوگوش از طرف جمهوری اسلامی آمده است.»

شخص خانم گوگوش در همین مصاحبه اخیرشان و در گفته‌های دیگر ماه‌های اخیر در مراحل مختلف سخن آن روز ما را تأیید فرمودند و حتی در جنجال چند ماه پیش کنسرت مشترکشان با آقای مهرداد آسمانی، از مردم ایران پوش خواستند.

در ادامه همین مصاحبه با روزنامه اینترنتی روز خانم گوگوش اعتراف می‌فرماید که به برکت سر و صداهای ما ایشان قبل از خروج از کشور فهمیده بودند که کاسه‌هایی زیر نیم کاسه هست و افرادی سرگرم خروج ایشان از کشور هستند که توانایی آن را دارند تا به اداره گذرنامه رفته و پاسپورت ایشان را بگیرند و حتی از طرف ایشان هم امضاء کنند.

خانم گوگوش می‌فرماید: «از سر و صداهای این آقا (یعنی بنده!! حسن عباسی) در پاریس بود که من فهمیدم آقای خوش‌زبان به جای رفتن به سفارت کانادا، به فرانسه رفته و پاسپورت مرا هم نشان این و آن داده که ببینید گوگوش دارد می‌آید. این هم پاسپورتش...»

اطلاعاتی را که آن سال ما در رابطه با گرفتن پاسپورت و کنسرت‌های خانم گوگوش و غیره به آگاهی مردم ایران رساندیم، بعدها توسط رئیس دفتر رئیس جمهور ایران آقای محمدعلی ابطی تأیید شد.

هدایت فیلم یکی از کمپانی‌های سینمائی نظام جمهوری اسلامی است به مدیریت برادران شایسته و اجازه خروج خانم گوگوش با تأیید شخص آقای خامنه‌ای صادر شده بود زیرا به خاطر علاقه ویژه خامنه‌ای به فیدل کاسترو، به او گفته بودند که گوگوش می‌خواهد نقش دختر کاسترو را در فیلمی که در کویت تهیه می‌شود بازی کند... همین مصاحبه اخیر خانم گوگوش فرموده‌اند که: «شایسته اول اصرار داشت که اسمش برده نشود (به عنوان طرف اصلی قرارداد با خانم گوگوش) بعد وقتی قرارداد را بستیم، در میانه کار دیدیم دیگر خودش را کنار کشیده و مرا سپرده به آقای بنام خوش‌زبان.»

خانم گوگوش در همین مصاحبه نیز اشاره می‌کند به دختر خانمی که به عنوان دستیار شخصی به ایشان تحمیل شده است:

«یک دختری بود که می‌گفتند عکاس است و قرار است دستیار شخصی من باشد. من گفتم چطور کسی که من اصلاً او را نمی‌شناسم می‌تواند دستیار شخصی من باشد؟ ولی به هر حال او بود و هر جا هم می‌رفتم با من بود.»

سرکار خانم گوگوش در رابطه با انعقاد قرارداد برای ۵۲ کنسرت طی یک سال نیز اعتراف فرموده‌اند که کار حساب شده‌ای نبوده است:

«۵۲ کنسرت در یکسال یعنی من هم باید فیلم بازی می‌کردم و هم هفته‌ای یک کنسرت می‌دادم ماراتن خواندن. من هم چون سال‌ها بود که این کار را نکرده بودم دیگر حتی نمی‌دانستم ۵۲ کنسرت در سال یعنی چه؟ آن هم با چه دستمزدی. دستمزد شش یا هفت کنسرت در ازای اجرای ۵۲ کنسرت. در واقع از نادانی خودم بود. نمی‌دانستم.»

سرکار خانم گوگوش در همین مصاحبه در پاسخ خبرنگار که از بازی در فیلم که اصلی‌ترین بهانه خروج ایشان از کشور بوده است می‌پرسد و ایشان تأیید و تأکید می‌کند که همه آنها بازی بوده است:

خبرنگار: بله نمی‌شد هم ۵۲ کنسرت داد و هم ۴ فیلم بازی کرد.

گوگوش: هم‌بیطور هم شد دیگر (...)

خبرنگار: در واقع بازی بود همه چیز.

گوگوش: بله‌بله.

در همین گفتگو خبرنگار از خانم گوگوش می‌پرسد:

«حالا راحت شده‌اید؟ موانع ذهنی کنار رفته؟ گوگوش- از حدود ده روز پیش که بالاخره توانستم از شر این درگیری‌های اینتجا و این آقائیان راحت شوم، بله راحت شده‌ام.»

آنچه من و دوستان و یاران در پنج سال پیش حول و حوش خروج شاه‌ماهی هنر ایران سرکار



خانم گوگوش گفتیم فراتر از آنچه خود ایشان امروز تأیید کرده‌اند نبوده است.

مصاحبه علیرضا میبیدی با من در استودیوی NITV در لس‌آنجلس که در سال ۲۰۰۰ انجام شد و در سراسر جهان پخش شد همچنان در دسترس است، در آنجا من دقیقاً همین مواردی را گفتم که سرکار خانم گوگوش پس از پنج سال به آنها اشاره می‌کنند:

۱- طرف قرارداد نخست ایشان آقایان شایسته و هدایت فیلم بوده‌اند.

۲- جریان بازی کردن فیلم بهانه‌ای برای برگزاری کنسرت‌ها بوده است.

۳- من در همان مصاحبه می‌گویم که خانم گوگوش در حصار کسانی است که از ایشان سوءاستفاده می‌کنند و ایشان را تحت کنترل دارند خود خانم گوگوش در خطوط بالا این موارد را تأیید کردند...

و کلاً آنچه ما در پنج سال پیش در رابطه با شایسته، خوش‌زبان، مسعود کیمیائی و خانم گوگوش گفتیم همان است که امروز خود ایشان می‌گویند....

۴- من در همان مصاحبه با علیرضا میبیدی آرزو می‌کنم که گوگوش ما از چنگ این سوء استفاده کنندگان مالی، اطلاعاتی، سیاسی آزاد بشوم تا بتواند به سودگی و آزادی‌های پس از

امروز پس از پنج سال خود ایشان تأیید می‌کنند که فقط ده روز است که از «شر آنها» راحت شده‌اند.

بدین‌رو امروز من از سوئی بسیار خوشحال و خرسندم که سرکار خانم گوگوش پس از سال‌ها از حصار خارج شده‌اند و می‌توانند آزادانه آنگونه که می‌خواهند پرواز بفرمایند و از سوی دیگر در برابر تاریخ و ملت ایران و هنرمندان و نویسندگان نیز سرفراز و سر بلندیم که در نخستین روزهای خروج گوگوش مطرح کردیم پس از سال‌ها صحتش با مهر تأیید شخص شاه‌ماهی هنر ایران، در تاریخ ثبت شد و امروز من و همه دوستان دیرپوزش خوشحال و شادمان هستیم که برخلاف آن روزهای در حصار گوگوش می‌تواند با همکاری قدیمی‌اش کار کند و در کنار فرزند و نوه‌هایش باشد و به هر کجا که خودش می‌خواهد برود و هر کسی را که خودش دوست دارد ببیند. www.awesta.net

برای شاه‌ماهی پروازی بلند و پر اوج را آرزو دارم.

تهران داغ داغ

تازه دربار حاج مرتضی سربلی حرف زنده‌ایم که نظرات بر مبارزه بر مواد خراسان را به عهده داشت و با همان حاج منصور شریک بود. وقتی پرونده‌اش رو شد فرار کرد و رفت به پاکستان و دو سالی در آنجا بود و سرانجام اطلاعاتی‌ها گوش‌زدند و کسانند به مشهد و او را گرفتند و می‌گویند الان در زندان اوین است.

پارک قرق زنان و افسردگی

اما غصه نباید خورد چون که رئیس جمهور ساده زیست با هوایمادی عادی برای اولین جلسه هیات دولتش به مشهد آمد و در کنار بازگانه امام رضا جلسه‌اش را برگزار کرد و ساده زیست رفت تادر حرم زیارتی بکند و حاضر نشد حرم را قرق کنند. اما چشمستان روز بد نبیند که پیرزن وقتی که او را شناخت و خواست عریضه بدهد مأموران با او چکار کردند و بعد یکی از خدام هم که جرات کرده و فرد دل کرده بود گرفتند و وقتی معلوم شد که فرزندش بیست سال قبل مجاهد بوده است و او را در زندان نگاه داشته‌اند نامش حاجی اصغر محمودی زوار است. اما تا دلتان بخواهد احمدی نژاد دستورهای خوب داد از جمله یک میلیارد برای تأسیس صندوقی به نام مهر رضا برای ازدواج جوانان. از جمله خرید اتوبوس برای مشهد؛ از جمله پرداخت حقوق و اضافه کار یک شرکت خصوصی که صاحبش از بستگان واعظ طبعی است از بودجه مردم که در حقیقت ارت پدیری رئیس جمهور مردمی است که دارد همین جور بدل و بخشش میکند. اما بقیه در صفحه ۲۹